**بسم الله الرحمن الرحیم**

**تخالف الحجج**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه هفتاد و یکم\_ 26 بهمن 1399**

**[اشاره­ایی به سیر بحث]**

سیر بحث از آنجا شروع شد که گفتیم فرق بین تعارض و تزاحم فی الجمله برای ما معلوم است، اما برای این­که تحلیلی دقیق­تر از مسأله ارائه دهیم، و فرق دقیق تعارض و تزاحم را متوجه شویم، باید بحثی را در این زمینه مطرح کرد.

ما بالعیان مشاهده می کنیم که مکلف در تزاحم قدرت بر جمع بین دو تکلیف را ندارد. قوام باب تزاحم به عدم قدرت مکلف در جمع بین دو تکلیف در مرحلۀ امتثال است، منتهی سؤال این است که آنچه که ما بر جمع آن دو قدرت نداریم، این عدم القدرة ما، قطعا در حکم تأثیر می کند، اما در چه مرحله­ایی از حکم تأثیر گذار است؟ در کفایه خوانده­ایید غیر از مرحلۀ اقتضا یا بفرمائید مرحلۀ ملاک، حکم مراحل دیگری دارد، از مرحلۀ اقتضاء و ملاک که بگذریم، اولین مرحله، مرحلۀ جعل است و انشاء، سپس مرحلۀ تحقق موضوع است که به آن فعلیت می گویند و آن­گاه مرحلۀ علم به حکم که تنجز آوری حکم در این مرحله است، لذا به آن مرحلۀ تنجز می گویند.

سؤال این است حال که بناست در تزاحم با عنصری به نام **عدمُ قدرة المکلف، علی الجمع بین التکالیف** روبرو شویم، این عدم القدرة علی الجمع بین التکالیف دقیقا در کدام مرحله از مراحل حکم تأثیر می کند؟ تا پاسخ این پرسش را ندهیم که عدم القدرة، در چه مرحله­ای تأثیر می کند، نمی توانیم دقیقا فارق بین تعارض و تزاحم را بیان کنیم.

سه رأی اساسی در این زمینه وجود دارد، یکی این­که بگوییم عدم القدرة علی الجمع بین التکالیف در مرحلۀ جعل تأثیر می­کند. رأی دوم این که بگوییم عدم القدرة علی الجمع بین التکالیف در مرحلۀ فعلیت مؤثر است. رأی ثالث این که بگوییم عدم القدرة علی الجمع بین التکالیف در مرحلۀ تنجز مؤثر است.

در تقریرات سید سیستانی، دامت برکاته برای رأی اول، و رأی دوم، هر کدام دو تقریب بیان شده است و بعد از نقل و نقد هر دو رأی و هر چهار تقریب، منتهی می شوند به رأی سوم و خود ایشان نهایتاً می­پذیرند که عدم القدرة علی الجمع بینَ التکالیف در مرحلۀ تنجز دخالت دارد.

**[فارق تعارض و تزاحم در تقریب اول از رای اول]**

در مورد رأی اول که تأثیر قصور قدرت است فی مرحلۀ الجعل و الإنشاء، تقریب اولش از محقق خراسانی و محقق عراقی بود که هر دو فرمودند آن قدرتی را که عقل و شرع در متعلقات احکام لازم و حتمی می بیند، همان عقل و همان شرع قدرت بر جمع بین تکالیف را هم معتبر می داند، و همان گونه که قدرت در اصل انجام یک تکلیف در مرحلۀ جعل مؤثر است، قدرت بر جمع بین تکالیف هم در مرحلۀ امتثال مؤثر است فی مرحلۀ الجعل، قدرت از نظر این دو اصولی بزرگوار عقلا و شرعاً از شرائط عامۀ تکلیف است و تا قدرت هم در اصل امتثال، و هم در جمع بین دو امتثال نباشد، اساساً تکلیف متوجه انسان نیست، محال است مولا تکلیف بما لایطاق کند، بگوید طیران فی الهوا داشته باش! و نیز محال است مولای حکیم تکلیف بما لا یطاق کند، بگوید بین دو تکلیفی که قابلیت جمع را ندارند، باید جمع کنی، این یعنی امر به ضدین، معاً که امر به ضدین معاً از حکیم ساخته نیست.

بعد این دو بزرگوار مرحوم آخوند و مرحوم آقا ضیا در ارائۀ راه حل از هم جدا شدند، یکی ترتب را محال می دانست، یعنی مرحوم آخوند، دیگری ترتب را ممکن می­شمرد، مرحوم آقا ضیاء، هر یک بنابر مختار و مبنای خودشان، راه حلی را بیان کردند.

آن­چه از نظر مرحوم آخوند رضوان الله تعالی علیه فارق بین تعارض و تزاحم است این که در تعارض تمانع مدلول دو دلیل مشاهده می شود، و اساسا در باب تعارض، به هیچ وجه من الوجوه، به هیچ مبنایی، جای طرح بحث ترتب نیست، در تعارض طولیتی اساسا نیست، هر دو دلیل در عرض یکدیگر، عرض اندام می کنند، و لذا بالمرة جای تصور تعارض و در عین حال بحث ترتب نخواهد بود. اما در تزاحم من مرحوم آخوند می گویم جای طرح ترتب هست، ولی ترتب صحیح نیست.در تعارض اساسا بحث ترتب و طولیت جا ندارد، ولی در تزاحم بحث ترتب را می توانیم طرح کنیم ولی به مانع و مشکل بر می­خوریم، مانع و مشکل هم لزوم تعدد عقاب است.

جضرت آقای آخوند می فرماید، در باب تزاحم، چه تکلیفین متساویین باشند، چه اهم و مهم باشند، چه اهم و مهم باشند، اگر هر دو تکلیف ترک شد، یک عقاب بیشتر نیست، در حالی که لازمۀ بحث ترتب تعدد عقاب است، لذا مرحوم آخوند فرمود، درست است که می توان در تزاحم ترتب را مطرح کرد، ولی به اشکال تعدد عقاب منتهی میشود.

خب آقای آخوند در تعارض که ترتب را اساسا جای طرح نمی داند، علاج باب تعارض قصه مستقلی دارد، من الترجیح او التساقط، اما فرق اساسی بین تعارض و تزاحم چیست؟

یک وجه شباهت دارند، از نظر مرحوم آخوند، یک وجه افتراق دارند، آن­چه فرق بین تعارض و تزاحم در نظر مرحوم آخوند مشکل کرد، این که هر دو به هر حال، قضیه را منتهی می کنند، به مرحلۀ جعل، خب جناب آقای آخوند، فارقی که شما بین تعارض و تزاحم می­گیرید، چیست؟

ایشان باید این گونه بگوید که تعارض و تزاحم تنافی بین دو دلیل است در مرحلۀ مدلول مطابقی و مرحلۀ مدلول التزامی در کشف از ملاکات. "صلِّ صلاة الجمعه" تعارض دارد با " لا تصل صلاة الجمعه" هم مدلول مطابقی هر دو درگیر هستند، "صل" و "لا تصل"، هم ملاک "صل" با ملاک و مصلحت " لا تصل" درگیر است، و اما فی باب التزاحم، فالتنافی بین الحکمین متحقق فی مرحلۀ مدلول المطابقی فقط. "صل" و "ازل النجاسة عن المسجد" در ملاک، در مرحلۀ اقتضاء درگیری ندارند، هم ممکن است، "صلاة" مصلحت داشته باشد، هم "ازاله"؛ لذا در تزاحم دو مدلول التزامی قابل سقوط، تعارض و تساقط نیستند، باقی هستند، چون باقی هستند، می توانیم از آنها، یعنی از ملاکات، در کشف حکم استفاده کنیم، لذا معالجعه تعارض با معالجعه تزاحم عند الآخوند فرق می کند، معالجه تعارض، چون مدلول التزامی هم درگیر است، چون ملاکات هم درگیر می شوند، با معالجۀ تزاحم فرق می کند، ما در تعارض بحث تساقط را مطرح می کنیم، ولی من آخوند که ترتبی هم نیستم، اگر دیدم دو تکلیف مساوی هستند و یکی اهم و دیگری مهم نیست، می گویم هر دو تکلیف متوجه من هست، جمعش ممکن نیست، من آخوند می گویم چون یکی بر دیگری ترجیح ندارد، تساقط پیدا می کنند دو مدلول مطابقی ولی چون گفتند دو مدلول التزامی یعنی دو ملاک باقی هستند، از دو ملاک کشف می کنم وجوب تخییری را، این در صورت تساوی،

اما اگر تساوی نبود و کان لاحدهما مزیة علی الآخر جعل فقط به او تعلق می­گیرد، بنابراین فرق بین تعارض و تزاحم بر رأی اول به قرائت مرحوم آخوند که امتناع ترتب بود، روشن شد، اما بر همین رأی به قرائت مرحوم عراقی که جواز ترتب باشد، تنافی بین اطلاق دو خطاب محقق می شود، اگر یکی بر دیگری مزیت داشت آن را اخذ می کنیم و از اطلاق دلیل مهم دست بر می داریم و اگر متساویین بودند، **رفعنا الید عن کلی الاطلاقین، و ذلک بتقیید کل منهما بترک الآخر**

و باز این بزرگوار یعنی مرحوم عراقی هم می گوید فرق بین تعارض و تزاحم این است که در تعارض اساسا طرح ترتب بی مورد است، در تزاحم طرح ترتب جا دارد، و قابل قبول هم هست، خلافا لمرحوم آخوند، و علاوه در تعارض تمانع، هم در مرحلۀ مدلول مطابقی است، هم در مرحلۀ مدلول التزامی، و حال آنکه در تزاحم، تمانع فقط در مرحلۀ مدلول مطابقی است.

هذا تمام الکلام در تقریب اول از رأی اول. اما تقریب دوم از رای اول که بیان کردیم این ها چه قائل اند بین التعارض و التزاحم، بیان مطلب قبلا گفته شده، ان شاء الله این مطلب که فرق بین تعارض و تزاحم باشد، فردا عرض خواهم کرد. بحث امروز مروری بود به بیان خودم برای این که بین این آراء تشخیص بدهیم فرق بین تعارض و تزاحم را چگونه بیان می کنند.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آله الطیبین الطاهرین المعصومین .